

## چگونگی ظهور داعش و گروه‌های داعش گونه

# بخش چهارم: منابع مالی و حامیان در خاور میانه

محمد سهمی

### مقدمه

این مقاله بخش چهارم از یک سری مقاله در باره چگونگی ظهور کشور اسلامی در عراق و شام [سوریه]، و یا همان داعش، و بطور عمومی تر گروه‌های تروریستی سنی میباشد. [بخش اول این مقاله](#) چگونگی حمایت اپوزیسیون طرفدار تحریم‌های اقتصادی کمرشکن بر ضد مردم ایران، تهدیدهای نظامی، و حمایت از دخالت به اصطلاح بشر دوستانه در لیبی و سوریه از داعش را توصیف کرد، همان بخش از اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور که با [بیانیه یکطرفه مملو از اغراق اخیر خود](#) بار دیگر نشان داد که حاضر نیست مواضع خود را در حمایت کامل از زیاده خواهی‌های غرب و اسرائیل را کنار بگذارد. [بخش اول نشان داد](#) که چگونه تا زمانی که داعش در لیبی مشغول جنگ و خونریزی بود - دخالتی که [هنوز نیز ادامه دارد](#) -- این بخش از اپوزیسیون از آن بعنوان نیروهای "دمکرات" - یا داعش "خوب" - حمایت میکرد.

[بخش دوم مقاله](#) ریشه‌های تاریخی ایدئولوژیک داعش را مورد بررسی قرار داد، و ارتباط تنگاتنگ آنرا با وهابی گری، مذهب رسمی عربستان سعودی و متحدان عرب خلیج فارس آن را به نمایش گذارد.

[بخش سوم این سری](#) ریشه‌های تاریخی ظهور گروه‌های تروریستی سنی در طول قریب به چهل سال گذشته را مورد بررسی قرار داد، و نشان داد که این ریشه‌ها به خلق به اصطلاح مجاهدین افغانی توسط آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی در آغاز دهه ۱۹۸۰ باز میگرددند.

پر واضح است که داعش بدون حمایت دستکم برخی از کشورهای خاور میانه قادر نخواهد بود که به حیات خود ادامه دهد. بنا بر این پرسش‌های مهمی که این مقاله در جستجوی پاسخ برای آنها خواهد بود از این قرار هستند: حامیان اصلی داعش در منطقه چه کشور هایی هستند؟ منابع مالی داعش چیست؟

قبل از آغاز بحث به یک نکته مهم اشاره میشود. همانند تمامی مقالات نگارنده، در این مقاله نیز تمامی منابع در متن وجود دارد، منتها در وبسایت گویا فقط در متن پی دی اف دیده می شوند.

### دلایل موفقیت داعش

چرا داعش توانست با سرعتی برق آسا منطقه‌ای وسیع را در عراق به تصرف خود درآورد؟ به نظر نگارنده، برخی از دلایل برای موفقیت‌های داعش از این قرار هستند.

اول، تجربه وسیع در جنگ با نیروهای آمریکا در عراق، و جنگ‌های لیبی و سوریه، بخصوص جنگ با حزب‌الله لبنان در سوریه که درس‌های زیادی را به داعش در باره انعطاف در تاکتیک‌های خود داد.

دوم، سلاح‌های مدرنی که غرب در اختیار داعش و دیگر گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال در لیبی قرار داد.

سوم، پیوستن بسیاری از افسران ارتش بعثی صدام حسین به داعش با امید سرنگونی دولت شیعه عراق.

چهارم، نارضایتی شدید سنی‌ها از سیاست‌های سکتاریستی دولت آقای المالکی.

پنجم، وضع نابسامان ارتش عراق، با وجود صرف میلیاردها دلار توسط آمریکا برای آموزش آن.

خاطر نشان میشود که اهمیت و نفوذ این موارد پنجگانه لزوماً به ترتیبی که ذکر شد نیست، بلکه هدف فقط مطرح کردن عوامل موثر در موفقیت‌های اولیه داعش است.

## حامیان و منابع مالی داعش

در حال حاضر وسعت منطقه تحت کنترل داعش بالغ بر صد هزار کیلومتر مربع است که در آن هشت میلیون نفر زندگی میکنند. بنا بر برآورد سازمان سیا داعش تا حدود سی و دو هزار جنگنده دارد، اگر چه تخمین‌های دیگری دال بر اینکه تا حدود چهل هزار نفر برای داعش می‌جنگند هم هست. دکتر گونتر مایر، مدیر مرکز تحقیقات در باره جهان عرب در دانشگاه ماینز آلمان، می‌گوید که بیشترین تعداد تروریست‌های داعش از عربستان سعودی می‌آیند، و حتی اگر کمک دولت عربستان به داعش قطع شود، ثروتمندان آنجا همچنان به داعش کمک خواهند کرد. از اردن، کشورهای عرب خلیج فارس، و حتی کشورهای اروپایی نیز به داعش پیوسته‌اند. ولی آیا حتی یکبار غرب ایرانیان را متهم به جنگیدن برای داعش کرده است؟ با وجودیکه چهار تا هشت درصد ایرانیان سنی هستند، به غیر از تروریست‌های بلوچی که ادعای نمایندگی مردم شریف بلوچ را دارند، آیا حتی یک گزارش از شرکت یک ایرانی در داعش وجود دارد؟ خیر.

## منابع مالی داعش

همانطور که ذکر شد، داعش یک سازمان تروریستی معمولی نیست. بهمین دلیل احتیاج به منابع مالی زیادی دارد تا بتواند بقا داشته باشد. این منابع کدام هستند؟

اول، داعش چندین میدان نفتی را در سوریه کنترل می‌کند و نفت تولیدی در آنجا را در ترکیه بفروش می‌رساند. گفته میشود که داعش روزی سه میلیون دلار از فروش نفت درآمد دارد. البته این برآورد در زمانی انجام شد که بهای نفت هنوز نزدیک به یکصد دلار برای هر بشکه بود، ولی در حال حاضر بین پنجاه تا شصت دلار است. حتی اگر این عراق هم باشد، نشان دهنده توان مالی داعش است. در عین حال، این حقیقت که داعش نفت را در ترکیه بفروش می‌رساند حاکی از نقش مخرب ترکیه در این جریان است.

دوم، داعش از مردمان تحت فرمان خود مالیات زیادی را بزور دریافت می‌کند.

سوم، داعش اتباع کشورهای اروپایی را ربوده و با دریافت مبالغ هنگفت آنها را آزاد می‌کند.

چهارم، در آغاز حملات برق آسای خود در عراق، داعش حدود چهار صد و بیست میلیون دلار از بانک‌های تحت کنترل دولت عراق به غنیمت گرفت که این موضوع شرمندگی زیادی را برای دولت مرکزی عراق بوجود آورد.

پنجم، دولت‌های عربستان، قطر، امارات متحده عربی، و کویت نه تنها بطور پنهانی خود به داعش و گروه‌های مانند آن کمک مالی میدادند - گزارش مخفی خانم کلینتون را که در بخش سوم این مقاله راجع بدان بحث شد بخاطر داشته باشید - بلکه دست شهروندان خود را در کمک مالی به داعش کاملاً باز گذاشته بودند، و کمتر کارشناسی باور دارد که اینگونه پول‌های خصوصی بزودی قطع خواهد شد.

ششم، مهمترین منبع مالی غیر دولتی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی مردمان سنی در کشورهای ناحیه خلیج فارس بوده و هستند.

روزنامه کریسچین ساینس مانیفور مقاله مفصلی در باره این موضوع در ماه جون سال ۲۰۱۴ منتشر کرد. بر طبق گزارش این روزنامه، از سال ۲۰۱۲ تا کنون شهروندان کشورهای عرب ناحیه خلیج فارس صدها میلیون دلار به شورشیان سوریه، که بخش زیادی از آن به داعش رسیده، کمک کرده‌اند. کریسچین ساینس مانیفور گزارش میدهد که بیشتر این پول‌ها از طریق کویت به شورشیان رسیده است. این پول‌ها نه تنها صرف عملیات داعش میشوند، بلکه داعش با دادن قسمتی از آنها به گروه‌های سنی تندرو دیگر آنها را ترغیب می‌کند که مدل داعش را در جنگ و حمله دنبال کنند.

## کشورهای حامی داعش

نگارنده به تئوری توطئه رایج در میان بخشی از مردم در خاور میانه که "آمریکا خودش داعش را بوجود آورد" اعتقادی ندارد، بدین معنی که هدف آمریکا خلق داعش نبود. ولی، همانطور که در بخش‌های قبلی این سری بحث شد، داعش محصول و میوه سیاست‌های آمریکا در منطقه در نزدیک به چهار دهه است، و بنظر می‌رسد که نظام سیاسی-اقتصادی-نظامی آمریکا درس‌های درست را از سیاست‌های مخرب خود نمیگیرد، و در نتیجه شرایط روز به روز وخیم‌تر میشود.

بخصوص، هجوم غیر قانونی، و به عقیده بسیاری جنایتکارانه، آمریکا به عراق، حمله آمریکا و پیمان ناتو به لیبی تحت عنوان دخالت به اصطلاح بشر دوستانه، و عدم جلوگیری از تبدیل جنگ سوریه، که در آغاز مبارزه‌ای بود بین نیروهای دمکراتیک و دولت دیکتاتور سکولار آقای اسد، به یک جنگ سکتاریستی و سنی بر ضد شیعه، مهمترین عواملی هستند که باعث شدند القاعده، یعنی وارث به اصطلاح مجاهدین افغانی "معادل اخلاقی" جرج واشنگتن و تاماس جفرسون، دارای شاخه‌های رسمی و غیر رسمی در سرتاسر خاور میانه، شمال آفریقا و ناحیه به اصطلاح "ساحل" تا غرب آفریقا شود. چه کشورهایی حامی پنهانی و یا آشکار داعش بودند و یا هنوز هستند؟ همانطور که در بخش سوم شرح داده شد، آقای جو بایدن در صحبت خود در دانشگاه هاروارد به آنها اشاره کرد که در بخش سوم این مقاله راجع بدان بحث شد.

## عربستان سعودی

دیگر کمتر کسی وجود دارد که راجع به حمایت عربستان از تروریست‌های سنی، از جمله داعش و جبهه نصرت در سوریه نداند، و یا آنرا انکار کند. تنها استثنای این حقیقت اپوزیسیون ایرانی طرفدار تحریم‌های

اقتصادی کمرشکن بر ضدّ مردم ایران و همسو با دست راست افراطی در اسرائیل و نئوکان های آمریکا است. ولی چرا عربستان از چنین تروریستی هایی حمایت کرده است؟

مدتی قبل از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ پرنس بندر بن سلطان، که مدت‌ها سفیر عربستان در آمریکا بود و بعد از آن تا سال گذشته رئیس سازمان‌های جاسوسی عربستان بود و حمایت عربستان از نیروهای سنی رادیکال را نیز رهبری میکرد، با سر ریچارد دیرلاو رئیس سرویس جاسوسی بریتانیا، ام آی ۶، بحث داشت. پرنس بندر به آقای دیرلاو گفت،

زمانی که در خاورمیانه گفته شود خداوند انشأ الله به شیعیان کمک کند، دور نیست. متجاوز از یک میلیارد سنی واقعا از آنها خسته شده‌اند.

خوانندگان گرامی توجه کنند که پرنس بندر این سخنان را حتی قبل از واقع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زده بود. بنا بر این واضح است که به قدرت رسیدن شیعیان در عراق بعد از هجوم به آن کشور توسط آمریکا و انگلیس و اشغال آن، خشم عربستان از شیعیان را حتی بیشتر هم کرد.

آقای دیرلاو، رئیس سابق ام آی ۶، چرایی سیاست عربستان را اینچنین توضیح میدهد. ایشان می‌گوید مدت زمان کوتاهی بعد از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به همراه آقای تونی بلر به عربستان رفت. در آنجا، زمانی که با پرنس بندر دیدار کرد، بندر بر سر ایشان فریاد کشید و گفت، "حادثه ۱۱/۹ فقط در حد نوک سوزن و چیزی بیشتر از یک سری تراژدی‌های شخصی برای غرب نیست. هدف اصلی تروریست‌ها نابودی خاندان سعود و برپا سازی یک خاور میانه جدید است،" که لابد مقصود او ایران و شیعیان بود. آقای دیرلاو سپس می‌گوید که از آن زمان عربستان یک سیاست دوگانه را در پیش گرفت: حمله به سنی‌های رادیکال و القاعده گونه در عربستان بعنوان تهدید بر ضدّ خاندان سعود، و حمایت از آنها در منطقه بعنوان یک نیروی ضدّ شیعه و ضدّ ایران.

صرف نظر از اینکه تخاصم بین شیعه و سنی سابقه بیشتر از ۱۰۰۰ سال دارد، در همین قریب به یک دهه اخیر آمریکا و متحدان آن در منطقه مهمترین عامل شدت بخشی به این تخاصم، و خونین کردن آن هستند. اول، هجوم غیر قانونی و بنظر بسیاری جنایتکارانه آمریکا به عراق باعث شد که گروه‌های شیعه که متحد جمهوری اسلامی هستند بقدرت برسند. دوم، با بقدرت رسیدن گروه‌های شیعه در عراق، و با وجود دولت علوی‌ها در دمشق، و گروه حزب‌الله در لبنان که مهمترین و با قدرت‌ترین گروه سیاسی و نظامی در آن کشور است، حکومت‌های شیعه مذهب کنترل بخش مهمی از خاور میانه، از مشهد تا بیروت را بدست گرفتند. سوم، اینقدرت باعث ترس کشورهای سنی مذهب منطقه به رهبری عربستان شد. ملک عبدالله دوم پادشاه اردن از ظهور آنچه که او آنرا "هلال شیعه" نامید ابراز نگرانی کرد، و بعد از آن عربستان و متحدان آن در منطقه، به‌مراه آمریکا، اسرائیل، و متحدان دیگر غربی آنها آن تصمیم به ایستادگی در برابر این "هلال" و شکستن آن گرفتند. حتی یکی از تحلیلگران غربی گزارش داد که رهبران عربستان از این وحشت دارند که "هلال" به "قرص کامل ماه" تبدیل خواهد شد، اگر دولت سوریه در جنگ پیروز شود، که لاجرم یک پیروزی مهم برای جمهوری اسلامی خواهد بود که برای غرب، عربستان و متحدان ارتجاعی آن در ناحیه خلیج فارس قابل قبول نیست.

به گفته رهبران عربستان سعودی، جنگ افغانستان و عراق موجب افزایش قدرت ایران در سطح منطقه شد. سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان، به واشنگتن پست گفت، "آمریکایی‌ها بعد از نه سال

عراق را در سینی طلا تقدیم ایران کردند!" هدف اصلی رهبران عربستان سعودی مقابله با قدرت ایران است. مطابق [اسناد ویکیلیس](#)، رهبران عربستان دائماً زمامداران آمریکا را برای حمله نظامی به ایران تحت فشار گذارده و گفته اند که "سر مار ایران را قطع کنید." سعود الفیصل در نشست افتتاحیه اجلاس اتحادیه عرب در قاهره در اول سپتامبر ۲۰۱۳ گفت که دولت سوریه "درها را برای ورود نیروهای سپاه پاسداران ایران، حزب الله لبنان و دیگر کشورهای مجاور باز گذاشته به گونه ای که سوریه اکنون به سرزمینی تبدیل شده که می توان گفت سرزمین اشغالی است." سعود الفیصل در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۴ بار دیگر اتهام خود را [تکرار کرد و از ایران خواست](#) که نیروی "اشغالگر" خود را از سوریه خارج کند، که با واکنش شدید [تهران مواجه شد](#).

اما اگرچه آقای بایدن در باره نقش عربستان در بقدرت رسیدن دوباره داعش با صداقت صحبت کرد، در باره حمایت پنهانی و آشکار آمریکا از برنامه‌های عربستان در سوریه صادق نبود. خانم هیلاری کلینتون در ۶ دسامبر ۲۰۱۱ [گفت](#) که "هدف او و آمریکا از بین بردن نفوذ ایران در سوریه است. آمریکا می‌خواهد تعادل قوا در خاور میانه را به سود خود برهم زده و اگر بتواند نفوذ ایران در سوریه را از بین ببرد، یک دستاورد بزرگ برای آن کشور خواهد بود." خانم کلینتون در نطق دیگری در [۲۸ سپتامبر ۲۰۱۲ گفت](#)، "اجازه دهید صریح صحبت کنیم. بقای رژیم سوریه به ایران بستگی دارد. دیگر هیچ شکی وجود ندارد که ایران هر کاری را حاضر است انجام دهد تا نوکرش در دمشق باقی بماند." او به همسایگان ایران توصیه کرد که اجازه ندهند ایران اسلحه برای سوریه بفرستد. اینها البته دقیقاً همان اهداف عربستان در سوریه نیز هست.

در یک سند مخفی که توسط خانم کلینتون در دسامبر ۲۰۰۹ نوشته شده بود [و توسط ویکیلیکس منتشر شد](#)، خانم کلینتون چنین نوشت، "عربستان یک منبع حیاتی مالی برای القاعده، طالبان، لشکر طیب‌ها در پاکستان و سایر گروه‌های تروریست است." ایشان همچنین نوشت که اگر عربستان کاری هم بر ضد این گروه‌ها انجام دهد، فقط در خود عربستان بعنوان یک تهدید داخلی است، نه بخاطر کارهای آنان در خارج از عربستان.

چند نکته مهم باید در اینجا تأکید شوند: پیدایش کشور عربستان سعودی و داعش، که خود را دولت اسلامی مینامد، دارای ریشه‌های تاریخی مشترک هستند: هر دو نتیجه یک "جهاد" هستند که رهبران اولیه آن ادعا داشتند و دارند. هر دو از اسلام استفاده ابزاری برای پیشبرد اهداف خود میکنند. این دو نکته، یک نکته مهم سوم را هم آشکار می‌کند، و آن شرکت وسیع شهروندان عربستان در جنگ بعنوان جنگجویان داعش است. چرا؟ چون به لحاظ ترکیب جمعیت، عراق و سوریه دارای بالاترین تنوع قومی در بین کشورهای عرب هستند. بنا بر این همانطور که وهابیسیم در پی تصفیه و خالص کردن عربستان بود و هست، شهروندان عربستان به دنبال همین هدف در عراق و سوریه هستند، چرا که در این دو کشور "کافران" شیعه در قدرت هستند و باید "تصفیه" شوند. [یک گزارش جدید حاکی از آن است](#) که شهروندان عربستان مسول دستکم شصت درصد حملات داعش در عراق هستند.

یک گزارش مهم نیویورک تایمز در ۳ فوریه حاکی از آن است که زکریاس موسوی، تروریست بیستم حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که قبل از حمله دستگیر شد، به مقامات آمریکا گفته است که شاهزاده‌های مهم عربستان، پرنس بندر، پرنس ترکی الفیصل رئیس سابق سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی عربستان، و پرنس ولید بن طلال میلیاردر سعودی از کسانی بودند که دستکم تا پایان دهه ۱۹۹۰ به القاعده کمک مالی میدادند. موسوی همچنین گفته است که او سرنگونی هواپیمای موسوم به "نیروی هوایی ۱" که هواپیمای رئیس جمهور آمریکا است، را با سفارت عربستان در آمریکا مورد بحث قرار داده بود.

برای آخرین تحلیل‌ها و گزارشات در باره رابطه بین عربستان سعودی و گروه‌های تروریستی سنی، بخصوص داعش، این مقاله را مطالعه کنید. روزنامه راست‌گرای اسرائیلی جروزالم پست در شماره ۲۴ فوریه ۲۰۱۵ خود گزارش داد که عربستان سعودی، سرزمین مادری تروریست‌های سنی و مهمترین حامی آنها، به اسرائیل پیشنهاد کمک برای حمله به ایران داده است.

در حالیکه رسانه‌ها و وبسایت‌های غرب مملو از مقالات و تحلیل در باره این ارتباط هستند، برخی از هموطنان، بخصوص تحلیلگر مقیم لندن چنان از عربستان سعودی ستایش میکنند، و چنان راجع به این رژیم ارتجاعی صحبت می‌کند که گویی این رژیم فاسد، که در ارتجاع خود از تمامی روحانیون افراطی و مرتجع ایران گوی سبقت را ربوده، مردمی‌ترین رژیم جهان است. روزی که خداوند شرم و حیای سیاسی را به بندگان خود میداد، اینگونه هموطنان در خواب عمیق بودند و بهره‌ای نبردند. اصولاً، به عقیده نگارنده، برای شناخت اصالت و مردمی بودن انهاییکه خود را بخشی از اپوزیسیون میدانند، دو ملاک عالی وجود دارد: مواضع آنها نسبت به اسرائیل و عربستان سعودی. بعنوان مثال، آن فعال سیاسی که در توهم "سخنگوی جنبش سکولار-دموکراسی" بودن خود بسر میبرد و از سخنان آقای بنیامین نتانیاهو در کنگره آمریکا دفاع می‌کند، نمیتواند، به عقیده نگارنده، دارای این اصالت باشد.

## وحشت عربستان از داعش؟

اینها البته قبل از ماه جولای ۲۰۱۴ بود. حملات داعش در عراق از سال ۲۰۱۲ آغاز شده بود، و تا جولای ۲۰۱۴ عربستان کوچکترین موضعی در باره این حملات در انظار عمومی نداشت که هیچ، همانطور که گفته شد از آن بطور پنهانی نیز حمایت میکرد. ولی، ناگهان به نظر می‌رسد که عربستان نیز نگران داعش است. چرا؟

زبان مورد استفاده و اهداف اعلام شده در "مانیفستی که داعش و ابوبکر البغدادی منتشر کرده‌اند، عیناً و دقیقاً همان‌هایی است که عبدالوهاب استفاده کرده بود. تا زمانیکه این مانیفست منتشر نشده بود، حکومت عربستان که نقش مهمی در تقویت داعش بازی کرده بود، در باره جنایات داعش نه تنها در سوریه بلکه در عراق نیز سکوت کرده بود، چرا که خود یکی از بزرگترین حامیان آن به شمار میرفت و مبالغه عظیمی پول و اسلحه برای داعش ارسال کرده بود که در جنگ در سوریه بر ضد حکومت آقای بشار الأسد مورد استفاده قرار گرفته بود. فقط زمانیکه مانیفست منتشر شد، حکومت عربستان به ناگهان به وحشت افتاد. چرا؟ بخاطر اینکه مانیفست آشکار کرده بود که هدف داعش باز گرداندن و هابیسیم انقلابی اولیه بود، که

حکومت عربستان از آن وحشت دارد. ولی آیا تمامی کمک‌های عربستان و شهروندان آن به گروه‌های تروریست سنی پایان یافته است؟ بقول امریکایی ها، "هیئت ژوری هنوز تصمیم نگرفته است"، و میبایست منتظر تحولات آینده بود.

## قطر

کشور کوچک ولی ثروتمند قطر، که آمریکا در آنجا یک پایگاه هوایی بزرگ نیز دارد، یکی از مهمترین حامیان گروه‌های سنی تروریست بوده است. آقای بایدن این موضوع را در اکتبر ۲۰۱۴ تصدیق کرد، ولی این موضوع چندین سال، و دستکم از سال ۲۰۱۱ و حمله به لیبی، کاملاً برای کارشناسان و تحلیلگران سیاسی شناخته شده بود. در لیبی قطر از انصار الشریعه، گروه تروریستی که آقای کریستوفر استیونز سفیر آمریکا در لیبی را به قتل رساند حمایت می‌کند، که تریبولی پایتخت لیبی را نیز کنترل می‌کند. این گروه همچنین متحد جبهه نصرت در سوریه است و در نبردهای سهمگین شهر تاریخی حلب شرکت داشته است. در سوریه، قطر علاوه بر حمایت از جبهه نصرت، از گروه حرکه احرار الشام که یک گروه سلفی است حمایت می‌کند که بسیار خشن و خونین است، و توسط خالد العطیه وزیر خارجه قطر نیز ستایش شده است. این گروه دیوید هاینز شهروند بریتانیایی را بقتل رساند، و دستکم دو شهروند دیگر بریتانیا را گروگان گرفته است. این گروه همچنین دارای حدود بیست هزار جنگنده است، و یکی از مهمترین نیروهای مخالف دولت سوریه بشمار میرود.

قطر دستکم سه میلیارد دلار در اختیار نیروهای جهادی سوریه، بخصوص جبهه نصرت، قرار داده است تا با دولت مرکزی بجنگند. یک مقام قطری به استیو کلمنز، سر دبیر واشنگتن مجله معتبر آتلانتیک، گفت که او آنقدر با جبهه نصرت از نزدیک کار کرده است که میداند کدام بلاک‌ها در چه ناحیه‌هایی توسط جبهه کنترل میشود. در سپتامبر ۲۰۱۴ روزنامه نیو یورک تایمز گزارش بسیار مفصلی از حمایت قطر از گروه‌های تروریستی سنی منتشر کرد، و در آن چگونگی کمک شهروندان قطری برای جمع آوری پول برای داعش و گروه‌های دیگر را توصیف کرد. آش آنقدر شور شده است که حتی جک کین و دنیل پلتکا از امریکن انترپرایز اینستیتوت، یعنی همان مؤسسه‌ئیکه همیشه از رژیم‌های فاسد عرب ولی متحد آمریکا حمایت کرده و نقش بزرگی در "توجیه" حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ داشت، در مقاله‌ای در وال استریت ژورنال قطر را متهم کردند که از داعش حمایت می‌کند. جالب است که راست افراطی در آمریکا، مثل سناتور جان مکین، از قطر حمایت میکنند، چرا که سرنگونی دولت آقای اسد در سوریه این جماعت را کور کرده است. در ژانویه ۲۰۱۴ مکین به شبکه سی ان ان چنین گفت، خدا را شکر برای عربستان سعودی و پرنس بندر؛ خدا را شکر برای دوستان قطری ما. البته آقای مکین که با سران گروه‌های تروریستی در سوریه ملاقات کرد، باید هم از حامیان اصلی آنها، مثل قطر، متشکر باشد. ایشان حتی قبول کردند که با بعضی از فرماندهان داعش نیز ملاقات کرده‌اند.

یک شخصیت آکادمیک قطری، عبدالرحمان النویمی، نیز توسط آمریکا بعنوان یک تروریست جهانی شناخته شده است. ایشان متهم هستند که دستکم دو میلیون دلار برای داعش پول جمع آوری کرده‌اند. اخوان المسلمین یک گروه جهادی نیست، ولی در گذشته توسط قطر حمایت میشد. در ۲۶ نوامبر ۲۰۱۴ روزنامه ها آرتض اسرائیل گزارش داد که قطر شورشیان سوریه را برای جنگ با دولت مرکزی آن در قطر تعلیم میدهد.

## امارات متحده عربی



امارات، همچون قطر، یک کشور کوچک است که ثروت‌های نفتی آن سران آن کشور را به خود بزرگ بینی و داشتن رویا برای بازی کردن نقش مهم در صحنه سیاست جهان انداخته است. این کشور در حمله به لیبی و بمباران آن در کنار پیمان ناتو شرکت کرد، و از گروه‌های اسلامی تندرو در آن جنگ حمایت کرد. امارات هنوز هم در لیبی درگیر است، با این تفاوت که به حمایت از رهبر کودتای آن کشور، خلیفه بلقاسم هفتر برخاسته، و مواضع گروه‌های اسلامی در لیبی، همان گروه‌هایی که با حمایت امارات و ناتو دولت آقای قذافی را سرنگون کردند، را بمباران می‌کند.

امارات از داعش نیز حمایت کرده است. دکتر گونتر مایر از دانشگاه ماینز آلمان می‌گوید، "شکی نیست که مهمترین منبع مالی داعش تا به امروز کشورهای عرب خلیج فارس بوده است، اول از همه از عربستان سعودی، ولی همچنین از قطر، کویت و امارات،" که البته جای تعجب ندارد.

## ترکیه

در این میان حمایت ترکیه از نیروهای جهادی در سوریه و حتی داعش بسیار مهم و بحث برانگیز است. ترکیه عضو پیمان ناتو است. دولت ترکیه اگر چه ریشه در اسلام دارد، ماهیت سکولار ساختار سیاسی ترکیه را حفظ کرده است. ترکیه کشوری است نسبتاً دمکراتیک، و آقای رجب طیب اردوغان، که چندین سال نخست وزیر بود و حال رئیس جمهور ترکیه میباشد، سودای رهبری خاور میانه را دارد. پس چگونه میتوان باور کرد که ترکیه همدست نیروهای تندرو و تروریست در سوریه میباشد؟ اول، به شواهد و قرائن نگاهی بیندازیم.

اول، ترکیه از همان آغاز جنگ داخلی سوریه بدنبال سرنگونی رژیم آقای اسد بود، و هنوز هم هست. به همین دلیل دست نیروهای تروریستی را در استفاده از ترکیه برای حمله به سوریه باز گذاشته است. تقریباً تمامی تروریست‌های جهادی که از اقصی نقاط جهان به سوریه رفته‌اند تا با دولت آن کشور بجنگند، از طریق ترکیه وارد سوریه شده‌اند. آقای بایدن در سخنان خود این‌را تصریح کرد، و بر طبق گزارش ایشان، حتی آقای اردوغان هم این‌را قبول کرده است. در عین حال، بسیاری از شهروندان ترکیه هم به سوریه رفته‌اند تا با دولت آن کشور بجنگند، و ترکیه کوچکترین قدمی برای جلوگیری از اینکار برنداشته است. بسیاری از شهروندان سوریه که به ترکیه پناهنده شده‌اند نیز در آنجا مسلح شده، و به سوریه باز گشته‌اند تا با دولت سوریه بجنگند.

در ۷ اکتبر ۲۰۱۴ مجله و وبسایت مهم فارین پالیسی گزارش داد که آقای رابرت فورد سفیر سابق آمریکا در سوریه به گزارشگر فارین پالیسی گفته است که او بارها با آقای هکان فیدان، معاون سرویس جاسوسی ترکیه که به آقای رجب طیب اردوغان بسیار نزدیک است، صحبت کرده بود، و نگرانی‌های آمریکا در مورد جریان جهادی‌ها به سوریه از طریق ترکیه را به او گوشزد کرده بود. پاسخ ترکیه، بر طبق گفته آقای فورد، این بود که اگر آمریکا اسامی اشخاص نامطلوب را در اختیار ترکیه قرار دهد، آن کشور از عبور آنها به سوریه جلوگیری خواهد کرد. واضح است که چنین کاری غیرممکن است.

دوم، ترکیه حتی آماده شده بود که به سوریه حمله کند. در ماه مه سال ۲۰۱۴ نواری مخفی به خارج درز شد و بر روی اینترنت قرار گرفت که حاوی بحث بین آقای احمد داوود اوغلو وزیر خارجه آن زمان ترکیه و نخست وزیر کنونی، یکی از معاونین ایشان، آقای فریدون سینیرلگلو، ژنرال یاسر گولر، معاون رئیس ستاد ارتش ترکیه، و آقای هکان فیدان، معاون سازمان جاسوسی ترکیه بود. بحث بر سر این بود که



با چه بهانه‌ای ترکیه می‌تواند به سوریه حمله کند، و [آقای فیدان می‌گوید](#)، اگر برای جنگ با سوریه بهانه لازم است، من می‌توانم چهار مرد بدان جا بفرستم تا ۸ موشک [به ترکیه] شلیک کنند، که بهانه را به ما خواهد داد. آقای فیدان [همچنین در نوار می‌گوید](#) که ترکیه دو هزار کامیون پر از وسائل [جنگ] به سوریه فرستاده است. یا این نوار واقعی بود و نشان از عزم ترکیه برای جنگ در ترکیه بود، و یا سرویس جاسوسی ترکیه از قصد نوار را به بیرون فرستاده بود که بر آمریکا برای مداخله مستقیم در سوریه فشار بیاورد.

سوم، دولت ترکیه از امکان استفاده نیروهای جهادی از سلاح شیمیایی در سوریه آگاه بود، ولی نه تنها کار مهمی برای جلوگیری از آن انجام نداد، بلکه [بر طبق گزارش آقای سیمور هرش](#)، روزنامه نگار برجسته امریکایی، خود نیز مایل به استفاده از آن بود. در ماه مه ۲۰۱۳ پلیس ترکیه ۱۲ نفر از اعضای سازمان‌های تروریستی را [در استانبول و همچنین در جنوب ترکیه دستگیر کرد](#)، و پلیس گزارش داد که آنها مواد شیمیایی نیز در اختیار داشتند. پنج یا شش نفر از دستگیرشدگان بعد از چند ساعت دستگیر شدند، و دولت ترکیه ظاهراً بقیه را تحت تعقیب قانونی قرار داد. دادستان ترکیه اعلام کرد که متهمان قصد تولید گاز سرین را داشتند. ولی، بعدها تمامی متهمان بی‌سر و صدا آزاد شدند، چون بر طبق گزارش مطبوعات دولت ترکیه از این وحشت داشت که روابط مخفی آن با تروریست‌ها در سوریه آشکار شود، و به همین دلیل بعد از آن در اینبار به سکوت کامل فرو رفت. همچنین، [آقای هرش گزارش داد](#) که برخی از مقامات دولت ترکیه می‌خواستند که توسط عوامل خود سلاح شیمیایی را در سوریه بکار ببرند، تا پرزیدنت اوباما مجبور به دخالت نظامی در سوریه شود.

چهارم، دولت ترکیه از [جبهه نصرت و همچنین شاخه سوریه اخوان المسلمین](#) در جنگ در آن کشور حمایت می‌کند. این واقعیت بر مقامات آمریکا پوشیده نبوده است. در عین حال، در ۲۸ اکتبر ۲۰۱۴ روزنامه دیلی میل انگلیس [ویدئو و عکس‌هایی را منتشر کرد](#) که بخوبی نشان میدادند که جنگندگان داعش در سوریه رابطه خوبی با مرزبانان ترکیه در مرز آن کشور با سوریه دارند، که بخوبی حمایت ترکیه از گروه‌های تندرو مخالف دولت آقای اسد را نشان میدهد.

پنجم، همانطور که قبلاً ذکر شد، داعش نفت تولیدی خود را در ترکیه بفروش می‌رساند، و دولت ترکیه کار مهمی [برای جلوگیری از اینکار انجام نداده است](#)، بطوریکه حتی نمایندگان حزب مخالف دولت ترکیه در پارلمان آن کشور [رسماً به اینکار اعتراض کردند](#)، و اعلام کردند که داعش سالی ۸۰۰ میلیون دلار درآمد نفتی دارد.

ششم، واقعیت این است که دولت ترکیه [به ائتلاف ضد داعش نییوسته است](#)، و برای دفاع از شهر کوبانی در سوریه در کنار مرز ترکیه در برابر داعش [کاری انجام نداده است](#). ترکیه حتی اجازه نداده است که آمریکا از طریق ترکیه برای جنگندگان کرد در کوبانی اسلحه ارسال کند، و آقای اردوغان حتی اعلام کرد که آنهائیکه وارد این جنگ شده‌اند بدنبال نفت هستند. این موضوع حتی سبب شد که روزنامه نیو یورک تایمز، که معمولاً آقای اردوغان را به سبب سیاست‌های اقتصادی ایشان مورد ستایش قرار میداد و از دولت ایشان بعنوان یک دولت دمکراتیک اسلامی یاد میکرد، [به انتقاد شدید از ایشان بپردازد](#)، و ایشان را متهم کند که "بازی خطرناکی" را در خاور میانه دنبال می‌کند. [آقای اردوغان هم به این انتقاد واکنش شدید](#) نشان داد، و از نیو یورک تایمز خواست که از او عذر خواهی کند، که نیو یورک تایمز اینکار را نکرد.

ترکیه همچنین اعلام کرده است که فقط در صورتیکه هدف سرنگونی رژیم آقای اسد باشد حاضر به همکاری با ائتلاف خواهد بود. ترکیه بخوبی آگاه است که نیروهای به اصطلاح معتدل سوریه قادر نیستند که رژیم آقای اسد را سرنگون کنند، و بنا بر این وجود نیروهای نظیر جبهه نصرت و حتی داعش در سوریه لازم است. در عین حال، سوریه نگران کردهای سوریه و تمایلات آنها برای خودمختاری است، و جنگ بین داعش و آنها را برای خود مفید می‌بیند. فقط پس از فشار شدید غرب ترکیه حاضر شد به پیشمرگ‌های کرد عراقی اجازه عبور از ترکیه را داده تا به مدافعین کوبانی بپیوندند.

هفتم، و از همه مهمتر، آقای بولنت تزجان، معاون دبیر کل حزب جمهوری خواه خلق ترکیه، مهمترین حزب مخالف دولت، اسنادی را منتشر کرد که نشان میداد که دولت ترکیه و سرویس جاسوسی آن از گروه‌های جهادی در سوریه و عراق حمایت کرده است. آقای تزجان در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که این اسناد هیچ تردیدی را در باره ارسال اسلحه توسط ترکیه برای شاخه القاعده در سوریه، یعنی جبهه نصرت، و داعش باقی نمی‌گذارد.

آقای جان کلپر، مدیر امور جاسوسی آمریکا، در ۲۷ اکتبر ۲۰۱۵ به کمیته نیروهای مسلح سنای آمریکا گفت که عدم سخت گیری دولت ترکیه در جلوگیری از ورود تروریست‌ها به سوریه و عراق کمک بزرگی به داعش بوده است. قبل از آن، در ۷ اکتبر ۲۰۱۴، مجله نیوزویک گزارش داد که یک عضو سابق داعش به خبرنگار آن مجله گفته بود که داعش به ترکیه به مانند یک متحد می‌نگرد، و همکاری ارتش ترکیه در حرکت نیروهای داعش مابین سوریه و ترکیه نقش مثبت مهمی داشته است. ایشان همچنین ادعا کرد که یک فرمانده داعش به جنگندگان خود گفته بود که "از هیچ چیز [در ترکیه] نترسید چراکه همکاری کامل با ارتش ترکیه وجود دارد".

## گروه‌های سنی رادیکال و اسرائیل

چگونه ممکن است که بین اسرائیل و گروه‌های رادیکال سنی رابطه‌ای باشد؟ اسرائیل در حال جنگ با حماس و جهاد اسلامی است که هر دو گروه‌های سنی هستند. اسرائیل همچنین دشمن حزب‌الله لبنان است. برای پاسخ به این پرسش باید اهداف استراتژیک اسرائیل را بررسی کرد.

در جنگ ۱۹۶۷ بین اعراب و اسرائیل بلندی‌های جولان توسط اسرائیل اشغال شد، و اسرائیل در سال ۱۹۸۱ آنها را بطور غیر قانونی ضمیمه خود کرد. این بلندی‌ها منبع مهم آب آشامیدنی برای اسرائیل هستند. تا زمانی که جنگ در سوریه ادامه داشته باشد، دولت مرکزی سوریه توانایی پس گرفتن بلندی‌ها را از اسرائیل نخواهد داشت. در تحلیلی برای مرکز سییان انستیتوی بروکینگز در نیو یورک در نوامبر ۲۰۱۲، آقای ایتمار رابینویچ چنین نوشت، "واضح است که وضعیت نامعلوم سوریه برای مدتی نامعلوم مساله بلندی‌های جولان برای اسرائیل را به کنار گذاشته است. سال‌ها طول خواهد کشید که اسرائیل بار دیگر موضوع بازگرداندن بلندیها به دمشق را دوباره مورد بررسی قرار دهد."

حزب‌الله لبنان به حمایت از دولت پرزیدنت بشار الأسد در جنگ سوریه مداخله کرده است، و برخی از نیروهای خود را حتی به عراق نیز فرستاده است. تا زمانیکه این نبردها ادامه داشته باشند، حزب‌الله در جایگاهی نخواهد بود که به اسرائیل حمله کند [به نظر نگارنده اصولاً حزب‌الله دلیلی برای حمله به اسرائیل ندارد، ولی این بحثی است جداگانه]. در ماه ژانویه بعد از کشته شدن شش عضو حزب‌الله در سوریه توسط

اسرائیل و اقدام تلافی جویانه [حزب‌الله با کشتن دو سرباز اسرائیل](#)، شیخ [حسن نصرالله اعلام کرد](#) که به دنبال جنگ با اسرائیل نیست، و غائله خاتمه یافت.

جمهوری اسلامی نیز هم در عراق و هم در سوریه مشغول نبرد با گروه‌های رادیکال سنی است. واضح است که ادامه این نبردها و هزینه‌های آن، چه اقتصادی و چه انسانی، برای جمهوری اسلامی بسیار گران خواهد بود، بخصوص در شرایطی که تحریم‌های کمر شکن اقتصادی غرب بر ضد مردم ایران همچنان برقرار هستند، و بهای نفت نیز حدود ۴۰ درصد کاهش یافته است. این نیز به سود اسرائیل است. بنا بر این واضح است که در عین حال که نیروهای تروریستی رادیکال سنی قرابتی با اسرائیل ندارند، مشغول نگاه داشتن آنها در سوریه و عراق هم نیروهای آنها را تا به تحلیل میبرد، و هم دشمنان دیگر اسرائیل را، یعنی حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی.

بخاطر داشته باشیم که در دهه ۱۹۸۰ جمهوری اسلامی، با همه شعارهای آتشین خود بر ضد اسرائیل، در نهان با اسرائیل رابطه داشت و از آن اسلحه دریافت میکرد. این آقای یتراک رابین نخست وزیر اسرائیل در سال‌های ۱۹۹۵--۱۹۹۲ بود که به ناگهان ایران را بزرگترین دشمن اسرائیل معرفی کرد.

روابط ترکیه و اسرائیل در چندسال گذشته تیره شده است. ولی اکنون هر دو کشور هدف مشترکی را در سوریه دنبال میکنند: سرنگونی دولت آقای اسد، که مستلزم آن کمک به نیروهای مخالف است. این موضوع ممکن است به ترمیم روابط اسرائیل و ترکیه منجر شود.

بنا بر این، کاملاً طبیعی است که اسرائیل دستکم بطور پنهانی از برخی از گروه‌های سنی در حال جنگ در سوریه حمایت کند. [در یک مصاحبه در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۳](#) آقای مایکل اورن، سفیر سابق اسرائیل در آمریکا گفت، "ما همیشه انسان‌های بدی که توسط ایران حمایت نمیشدند را به آنهایی که توسط ایران پشتیبانی میشوند ترجیح داده ایم." گزارش‌های معتبر در طول یک سال گذشته اینرا تأیید میکنند.

[در گزارش خود به شورای امنیت سازمان ملل در ماه ژانویه](#) ناظران سازمان ملل در بلندی‌های جولان گزارش دادند که بین ارتش اسرائیل و نیروهای مخالف دولت مرکزی سوریه رابطه کامل برقرار است، بطوری که حتی جنگنده‌های مجروح در سوریه بداخل اسرائیل برای معالجه برده میشوند. [این ویدیو را تماشا کنید.](#)

در ۷ دسامبر ۲۰۱۴ نیروی هوایی اسرائیل مراکز علمی--تحقیقاتی، انبار موشک‌ها، مراکز دفاع هوایی، و رادارهای سوریه [در نزدیکی دمشق را بمباران کرد](#). این هفتمین حمله هوایی بدون دلیل اسرائیل به سوریه از آغاز جنگ در سوریه بود. اینها مراکزی بودند که گروه‌های رادیکال سنی بارها برای نابود کردن آنها به آنها حمله کرده بودند، ولی موفق نشده بودند.

در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۵ [وبسایت المانیور در گزارش مفصلی ادعا کرد](#) که جبهه نصرت، یعنی شاخه القاعده در سوریه، احتمالاً حملات خود در سوریه را با اسرائیل هماهنگ می‌کند. [در مقاله دیگری در المانیور](#) در ۲۷ فوریه ۲۰۱۵، آقای جکی هاگی، که روزنامه نگار رادیو ارتش اسرائیل است، به تحلیل چرایی حمایت اسرائیل از گروه‌های سنی رادیکال در سوریه پرداخت.

و بلاخره در ۱۳ مارس ۲۰۱۵ [روزنامه اسرائیلی جروزالم پست گزارش داد](#) که مجروحان شاخه القاعده در سوریه، یعنی جبهه نصرت، در بیمارستان‌های اسرائیل تحت درمان قرار میگیرند. آقای آموس یدلین،

رئیس سابق صده اطلاعات ارتش اسرئیل و وزیر دفاع آئنده اسرئیل اگر ائتلاف چپ در انتخابات ۱۷ مارس پیروز شود، گفت که سنّی‌های رادیکال در منطقه جولان به اسرئیل حمله نمیکنند و افزود، "آنها [سنّی‌های رادیکال] درک میکنند که دشمن واقعی آنها کیست -- شاید [درک میکنند] که اسرئیل نیست." گزارش معالجه مجروحان مخالفین دولت سوریه توسط اسرئیل اولین بار [توسط وبسایت معتبر فارین پالیسی](#) در جولای ۲۰۱۴ منتشر شد.

## داعش و ایران

همانطور که قبلا ذکر شد، اپوزیسیون ایرانی همسو با فشار خارجی بر ایران ادعا دارد که داعش توسط ایران خلق شده است. این ادعا کاملا هماهنگ با ادعای بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرئیل است که در نطق خود در ماه سپتامبر [در مجمع عمومی سازمان ملل](#) ایران و داعش را مساوی و از یک نوع اعلام کرد. نتانیاهو همچنین ادعا کرد که حماس هم مانند داعش است. هر دو ادعا هیچ اساسی ندارند.

داعش بارها ایران را تهدید کرده است. بارها اعلام کرده است که در نهایت تفنگ‌های خود را به طرف ایران نشانه خواهد رفت. نکته‌ای که کمتر راجع به آن صحبت می‌شود این است که بخش مهمی از نیروهای داعش را [سربازان، افسران، و کارگزاران بعثی عراق تشکیل میدهند](#) که از ایران متنفرند، و هنوز تصور میکنند که ایران و آمریکا مخفیانه [در هجوم به عراق همکاری کردند](#). بنا بر، از هر زاویه‌ای که به این مساله نگاه کنیم خواهیم دید که داعش خاطر بزرگی برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران میباشد. این موضوع طرفداران آمریکا بعنوان یک قدرت امپریالیستی را بسیار شاد کرده است. نگاهی کنیم به مقاله آقای [تاماس فریدمن از روزنامه نیو یورک تایمز](#) و مهمترین حامی هجوم غیر قانونی به عراق در سال ۲۰۰۳ در میان تمام روزنامه نگاران آمریکا:

"شاید ایران و فرمانده مکار سپاه قدس آن [سر لشگر] قاسم سلیمانی آنقدر که تصور میکردیم باهوش نیستند. ایران بود که متحدان شیعه خود در عراق را با بمب‌هایی با شکل مخصوص مجهز کرد که تعداد زیادی از سربازان آمریکایی را کشت و زخمی کرد [ادعایی که [هیچ وقت ثابت نشد](#)]. ایران می‌خواست ما از عراق خارج شویم. ایران بود که به [آقای نوری] المالکی فشار آورد تا توافق نامه‌ای را که اجازه میداد که نیروهای آمریکا در عراق بطور قانونی باقی بمانند امضا نکند. ایران می‌خواست هژمان منطقه باشد. سلیمانی، نیروهای تو در سوریه، لبنان و عراق زیادی پخش شده‌اند، ولی نیروهای ما در آمریکا در خانه خود هستند. روز خوبی داشته باشی [سر لشگر سلیمانی]. "

در ۵ اکتبر ۲۰۱۴ [روزنامه ساندی تایمز لندن گزارش داد](#) که اسنادی از داعش بدست سازمان‌های جاسوسی غرب افتاده است که حاکی از آن است که داعش قصد دارد اسناد برنامه هسته‌ای ایران بدست آورد. این اسناد ظاهرا توسط عبدالله احمد المشدانی، یکی از شش عضو "کابینه جنگ" داعش نوشته شده است. بر طبق این اسناد داعش به روسیه پیشنهاد خواهد کرد که ایران و برنامه هسته‌ای آنرا رها کند، و اسناد برنامه هسته‌ای ایران را در اختیار داعش قرار دهد. داعش همچنین از روسیه خواهد خواست که سوریه را نیز رها کند. در آنصورت، داعش به به روسیه اجازه خواهد داد که از میدان‌های گاز طبیعی در ایالت انبار در عراق که بیشتر آن توسط داعش کنترل میشود بهره‌برداری کند. این اسناد همچنین حاکی از آن هستند که هدف داعش نابودی قدرت ایران و همچنین نابودی قدرت شیعیان در عراق است.

## کلام پایانی

در مقدمه کتاب خود، تمام مردان شاه، آقای استیون کینزر، روزنامه نگار نامدار آمریکایی، چنین نوشتند،

"این یک کار خیالی نخواهد بود اگر یک خط از عملیات اجکس [کودتای سازمان سیا در ایران در سال ۱۳۳۲] به رژیم اختناق شاه، انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، و بمب‌های آتشی که ساختمان مرکز تجارت جهانی در نیویورک [در سال ۱۹۹۳] را مورد حمله قرار داد رسم کنیم".

آقای کینزر در مصاحبه‌ی نیز چنین گفتند: کودتای ۱۹۵۳ سیا + انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ = حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا.

نگارنده معتقد است که خطی که آقای کینزر رسم میکنند را باید امتداد داد. این خط از کودتای ۱۹۵۳ در ایران آغاز شده، از کودتای پاکستان در ۱۹۷۷، انقلاب ایران در ۱۹۷۹، و خلق به اصطلاح مجاهدین افغانی در دهه ۱۹۸۰ عبور کرده، و بعد از عبور از حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به حمله به افغانستان در پاییز ۲۰۰۱، هجوم به عراق که منجر به ظهور القاعده در عراق در سال ۲۰۰۴ شد، جنگ در لیبی در سال ۲۰۱۱، و جنگ در سوریه از سال ۲۰۱۱ به بعد رسیده، و به ظهور دوباره القاعده در عراق تحت عنوان داعش ختم میشود. تاریخ پیوسته است، و نمیتوان فقط برخی از قسمت‌های آنرا بطور دلخواهی خواند، و بقیه را فراموش کرد.

میبایست از خود بپرسیم: چه کسانی و گروه‌هایی از جنگ در سوریه و عراق سود میبرند؟ اول، اسلحه سازان آمریکایی که بهای سهام شرکت‌های آنها در چند سال گذشته به شدت افزایش یافته است؛ دوم، جناح راست افراطی آمریکا که به بهانه جنگ بودجه پنتاگون را افزایش داده است؛ سوم، نیروهای افراطی سنی در خاور میانه و حامیان آنها، و سرانجام اسرائیل که در غیاب سوریه، عراق، و لیبی نیرومند دارای آزادی بیشتری در خاور میانه میباشد. در عین حال، تروریسم گروه‌های رادیکال سنی به افزایش شدید نفوذ جمهوری اسلامی، و طبیعتاً تندروهای تهران، در منطقه نیز کمک کرده است.

در بخش پایانی این مقاله گروه‌های داعش گونه در میان شیعیان و سنی‌ها، در داخل و خارج از ایران را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

نگارنده از خوانندگان گرامی دعوت می‌کند که برای دریافت آخرین خبرها و تحلیل‌ها در باره ایران و بقیه خاور میانه، هم به فارسی و هم به انگلیسی، از وبسایت او، اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه بازدید کنند، و مصاحبه‌ها و دیگر برنامه‌های تلویزیونی او را در اینجا تماشا کنند.